

## سنت مقدس: منبع ایمان ارتدوکس<sup>۳</sup>

تیموتی وئر

حمید بخشنده

اشاره:

واژه سنت در لغت دارای دو معنای مختلف است؛ این واژه دال بر «مضمون منتقل شده» از عصری به عصر دیگر است. همچنین این واژه بر «روش انتقال» دلالت دارد که مشخصه آن، ثبات نسبتاً تمام و کمال است. وجود سنت، واقعیت مشترک همه جوامع بشری است. تداوم معنوی جوامع با این واقعیت تضمین می‌شود که اندیشه‌ها، آداب و غیره همواره از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. از دیدگاه دینی، باورها، شعائر، دستورالعمل‌های نیایش و سرود و غیره با دقت کم‌نظیری منتقل می‌شود. در این صورت، سنت مسیحی ایمانی است که عیسی مسیح به رسولان بخشیده و از روزگار رسولان از نسلی به نسل دیگر در کلیسا انتقال یافته است. ویژگی متمایز کلیسای ارتدوکس عبارت است از وفاداری راسخ به میراث گذشته، که از نظر این کلیسا در سنت خلاصه می‌شود. از دیدگاه کلیسای ارتدوکس، سنت صرفاً مجموعه‌ای از گزاره‌های معتبر نیست بلکه حیاتی است که جامعه مسیحی را حفظ و هدایت می‌کند. سنت حیات

۳. مشخصات کتاب‌شناختی این مقاله به قرار زیر است:

روح القدس در کلیساست که به پیروان عیسی مسیح قوهٔ دریافت و فهم حقیقت را می‌بخشد. البته این حیات نمودهای عینی و ملموس دارد و در میان عناصر گوناگون آن، کتاب مقدس، مکتوبات آباء کلیسا، تعاریف عقیدتی شوراها و وحدت کلیساها و آیین عشای ربانی دارای برجستگی بی‌نظیری است. مقالهٔ حاضر کوششی برای بیان معنای سنت و عناصر سازندهٔ آن از دیدگاه الاهیات ارتدوکس است، تیموتی وئر (متولد ۱۹۳۴)، سراسقف کلانتشهر و مدرس مطالعات ارتدوکس شرقی در دانشگاه آکسفورد به نگارش درآورده است.

### معنای درونی سنت

امانت را حفظ کن. (اول تیموتائوس ۶: ۲۰)

سنت، حیات روح القدس در کلیساست (ولادمیر لوسکی).

مشخصهٔ ظاهری تاریخ کلیسای ارتدوکس رشته‌ای از شکست‌های ناگهانی است: تصرف اسکندریه، انطاکیه و اورشلیم به دست مسلمانان عرب؛ به آتش کشیدن کیهن توسط مغول‌ها؛ دوبار غارت قسطنطنیه؛ انقلاب اکتبر در روسیه. با این حال، گرچه این رخدادها چهرهٔ بیرونی جهان ارتدوکس را دگرگون کرده، هرگز استمرار درونی کلیسای ارتدوکس را دچار وقفه نکرده است. آنچه در ابتدا، نظر هر ناآشنا را در برخورد با کلیسای ارتدوکس جلب می‌کند، معمولاً حال و هوای قدمت آن، یعنی عدم تغییر ظاهری آن است. او مشاهده می‌کند که کلیسای ارتدوکس هنوز، همانند کلیسای اولیه، با سه بار فرورفتن در آب، غسل تعمید می‌دهد؛ آنها هنوز هم نوزادان و خردسالان را برای دریافت عشای ربانی می‌آورند؛ در آیین عشای ربانی هنوز هم شماس با صدای بلند می‌گوید: «درها! درها!» که یادآور نخستین روزهایی است که درب ورودی کلیسا هوشیارانه مراقبت می‌شد و هیچ کس جز اعضای خانوادهٔ مسیحی نمی‌توانست درنمایش خانوادگی حضور یابد؛ اعتقادنامه هنوز هم بدون هرگونه افزوده‌ای قرائت می‌شود.

این امور صرفاً نمونه‌های ظاهری اندکی از آن چیزی است که بر همه جنبه‌های حیات ارتدوکس حاکم است. اخیراً هنگامی که از دو عالم ارتدوکس خواسته شد که ویژگی متمایز کلیسای خود را برشمرند، هر دو به مطلب واحدی اشاره کردند: عدم

تغییر آن، یعنی تصمیم راسخ آن بر وفادار ماندن به گذشته و احساس پیوند استوار<sup>(۱)</sup> با کلیسای دوران قدیم.<sup>(۲)</sup> دو قرن و نیم پیش، پاتریارک‌های شرقی دقیقاً همین سخن را به کشیشان سوگندنخورده عصر ویلیام<sup>(۳)</sup> گفتند:

ما تعالیم خداوند را بدون تحریف حفظ می‌کنیم (و قاطعانه به آیینی که او برای ما آورد، وفاداریم و آن را همچون گنج سلطنتی و بنای تاریخی پرقیمت از عیب و نقصان حفظ می‌کنیم؛ نه چیزی بدان می‌افزاییم، نه چیزی از آن می‌کاهیم.<sup>(۴)</sup>

از نظر کلیسای ارتدوکس ایده پیوند استوار در یک کلمه یعنی سنت خلاصه می‌شود. یوحنا دمشقی گفته است: «ما مرزهای جاودانه‌ای را که پدرانمان نهاده‌اند، تغییر نمی‌دهیم و سنت را همان‌گونه که دریافت کردیم، حفظ می‌کنیم.»<sup>(۵)</sup>

مسیحیان ارتدوکس همواره در باره سنت سخن می‌گویند. مقصود آنان از این کلمه چیست؟ بنابه تعریف فرهنگ آکسفورد، سنت عبارت است از نقطه نظر، عقیده یا آداب و رسومی که از نیاکان به آیندگان می‌رسد. در این صورت، سنت مسیحی ایمانی است که عیسی مسیح به رسولان بخشیده و از روزگار رسولان از نسلی به نسل دیگر در کلیسا منتقل شده است.<sup>(۶)</sup> اما برای یک مسیحی ارتدوکس، سنت به معنای چیزی است که ملموس تر و مشخص تر از این است. سنت به معنای کتاب‌های کتاب مقدس، اعتقادنامه، تصویب‌نامه‌های شوراهای وحدت کلیساها و مکتوبات آیینی و شرعیات کلیسا<sup>(۷)</sup> و کتب دعا و شمایل‌های مقدس است. در واقع، کل نظام تعالیم، اداره کلیسا، عبادت و هنر که کلیسای ارتدوکس در طول اعصار به روشنی بیان کرده است. مسیحی ارتدوکس امروز خود را وارث و پاسدار میراثی عظیم می‌داند که از گذشته دریافت کرده و معتقد است که وظیفه‌اش انتقال میراث خود بدون عیب و نقص به آیندگان است.

باید توجه داشت که کتاب مقدس بخشی از سنت است. برخی اوقات سنت، به «تعلیم شفاهی مسیح، که شاگردان بی‌واسطه‌اش به نگارش درنیاورده‌اند»<sup>(۸)</sup> تعریف می‌شود. نه تنها نویسندگان غیرارتدوکس بلکه بسیاری از نویسندگان ارتدوکس این شیوه بیان را اتخاذ کرده‌اند و کتاب مقدس و سنت را دو چیز مختلف و دو منبع متمایز ایمان مسیحی می‌دانند. اما در واقع، تنها یک منبع وجود دارد. زیرا کتاب مقدس در چارچوب سنت وجود دارد. جدا کردن و در کنار هم قرار دادن این دو به معنای تضعیف این ایده است که آن دو هماننداند.

ارتدوکس‌ها، گرچه به این میراث گذشتگان احترام می‌گذارند، به خوبی نیز آگاهند که هر آنچه از گذشتگان دریافت کرده‌اند، دارای ارزش برابر نیست. در میان عناصر گوناگون سنت، کتاب مقدس، اعتقادنامه، تعاریف عقیدتی شوراها و وحدت کلیساها دارای برجستگی بی‌نظیری است. این عناصر در تلقی مسیحیان ارتدوکس، اموری مطلق و تغییرناپذیر است، که نمی‌توان آنها را حذف یا در آنها تجدیدنظر کرد. سایر بخش‌های سنت دارای حجیت کاملاً یکسانی نیست. تصویب‌نامه‌های ژاسی<sup>(۹)</sup> یا اورشلیم نه هم‌رتبه با اعتقادنامه نیقیه<sup>(۱۰)</sup> است، و نه هم‌رتبه با نوشته‌های آتاناسیوس یا شمعون نوالاهی‌دان که هم‌سنگ انجیل یوحنا هستند.

آنچه از گذشتگان دریافت شده، نه دارای ارزش یکسان است نه لزوماً درست است. همان‌طور که یکی از اسقف‌ها در شورای کارتاژ<sup>(۱۱)</sup> در ۲۵۷ میلادی اظهار کرد: «خداوند گفت من حقیقت هستم. او نگفت من رسوم هستم.»<sup>(۱۲)</sup> «میان «سنت» و «رسوم» تفاوت هست؛ بسیاری از رسوم که گذشتگان به ارث گذاشته‌اند، آراء بشری، موقتی و پرهیزگاران (یا غیرپرهیزگاران) هستند ولی بخشی حقیقی از یک سنت، یعنی پیام اساسی مسیحی نیستند.

پرسش از گذشته ضروری است. در دوران بیزانسی و پس از آن، مسیحیان ارتدوکس همواره در برخورد خود با امور گذشته چندان نقاد نبودند که پیامد آن غالباً رکود بود. امروزه این رهیافت غیرنقادانه را دیگر نمی‌توان ادامه داد. معیارهای عالی‌تر پژوهشگری، تماس‌های روزافزون با مسیحیان غربی، تهاجم‌های سکولاریسم و الحاد، ارتدوکس‌ها را در قرن حاضر ناگزیر ساخته تا با دقت بیشتر به میراث خود بنگرند و با دقت بیشتری بین سنت و آداب و رسوم تمایز نهند. کار تشخیص همیشه آسان نیست. لازم است هم از اشتباه فرقه مؤمنان قدیم<sup>(۱۳)</sup> و هم از اشتباه «کلیسای زنده»<sup>(۱۴)</sup> اجتناب شود. گروه اول چنان دچار محافظه‌کاری افراطی شد که هیچ‌گونه تغییری را در آداب و رسوم بر نمی‌توانید؛ گروه دوم گرفتار تجدیدطلبی یا لیبرالیسم الهیاتی شد که تیشه به ریشه سنت زد. اما به رغم برخی ضعف‌های آشکار، مسیحیان ارتدوکس امروز در مقایسه با پیشینیان خود در قرن‌های متمادی چه بسا در وضع بهتری برای تشخیص صحیح قرار دارند و اغلب دقیقاً ارتباط آنان با غرب است که به آنان در درک هر چه روشن‌تر از آنچه در میراث خاصشان اساسی است، کمک می‌کند.

وفاداری واقعی کلیسای ارتدوکس به گذشته باید همواره وفاداری خلاقانه باشد؛ زیرا کلیسای ارتدوکس واقعی هرگز نمی‌تواند به یک «الاهیات تکراری» بیهوده خشنود باشد، که طوطی‌وار، بدون کوشش برای درک آنچه در ورای عبارات کلیشه‌ای نهفته است، به تکرار آنها بپردازد. وفاداری به سنت، اگر به درستی درک شود، امری مکانیکی و روشی یکنواخت در انتقال میراث گذشتگان نیست. هر متفکر ارتدوکسی باید به سنت از درون بنگرد و باید وارد روح باطنی آن شود. برای زیستن در چارچوب سنت، کافی نیست که یک نظام عقیدتی را صرفاً به لحاظ عقلی بپذیریم؛ زیرا سنت چیزی به مراتب بیشتر از مجموعه‌ای از گزاره‌های انتزاعی است - آن نوعی زندگی و مواجهه شخصی با مسیح در روح القدس است. سنت نه تنها توسط کلیسا حفظ می‌شود و در کلیسا حیات دارد، [بلکه] حیات روح القدس در کلیسا است. برداشت کلیسای ارتدوکس از سنت، به صورت ایستا یعنی پذیرش بی‌روح تاریخ گذشته نیست بلکه پویا و تجربه زنده روح القدس در این زمان است. سنت اگرچه در درون، تغییرناپذیر است (زیرا خدا تغییر نمی‌کند)، همواره شکل‌های جدید را می‌پذیرد، که این شکل‌های جدید بدون کنارزدن امور قدیمی، مکمل آنها هستند. مسیحیان ارتدوکس غالباً چنان سخن می‌گویند که گویی دوره تنسیق آموزه‌ها کاملاً پایان یافته است؛ اما این درست نیست. چه بسا در روزگار خود ما شوراهای جدید وحدت کلیساها تشکیل شود، و سنت از طریق تعبیرهای جدید از دین، غنا یابد.

این تصور از سنت به عنوان چیزی زنده به خوبی در تعبیر گیورگس فلورفسکی آمده است:

سنت گواه روح القدس است؛ وحی دائمی روح القدس و موعظه بشارت ... برای پذیرش و درک سنت باید در چارچوب کلیسا زندگی کنیم. باید از حضور فیض بخش<sup>(۱۵)</sup> خداوند در آن آگاه باشیم؛ ما باید عطر روح القدس را در آن احساس کنیم ... سنت تنها یک مبنای کهنه حمایت‌کننده نیست بلکه عمدتاً مبنای رشد و بازآفرینی است ... سنت، نشان همواره جاودانه روح القدس است نه صرفاً یادانبار کلمات.<sup>(۱۶)</sup>

سنت گواه روح القدس است؛ به تعبیر عیسی، «چون روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد» (یوحنا ۱۶: ۱۳). همین وعده الهی است که اساس پای‌بندی مسیحیان ارتدوکس به سنت است.

## عناصر بیرونی سنت

اینک به ترتیب به بررسی مؤلفه‌های بیرونی گوناگونی می‌پردازیم که سنت در آنها نمود می‌یابد.

### ۱. کتاب مقدس

کتاب مقدس و کلیسا. کلیسای مسیحی کلیسایی کتاب‌محور است: کلیسای ارتدوکس همچون کلیسای پروتستان، اگر نگوئیم بیش از آن، ایمانی راسخ به این امر دارد. کتاب مقدس تجلی عالی وحی خدا به بشر است و مسیحیان باید همواره «اهل کتاب» باشند. اما اگر مسیحیان اهل کتاب‌اند، کتاب مقدس کتاب مردم است؛ نباید آن را چیزی دانست که بر سر در کلیسا نصب شده است، بلکه باید چیزی تلقی کرد که حیات دارد و در داخل کلیسا فهمیده می‌شود (و به همین دلیل، نباید کتاب مقدس را از سنت جدا کرد). کتاب مقدس در نهایت حجیت خود را از کلیسا کسب می‌کند، زیرا این کلیسا بود که در اصل تصمیم گرفت که چه کتاب‌هایی بخشی از کتاب مقدس باشد و تنها کلیساست که می‌تواند کتاب مقدس را با وثاقت تفسیر کند. عبارت‌های زیادی در کتاب مقدس وجود دارد که به خودی خود مبهم است و هر فرد قرائت‌کننده، هر قدر هم که صادق باشد، چنانچه به برداشت شخصی خود تکیه کند، در خطر اشتباه است. [در کتاب مقدس آمده است:] فیلیپ از خزان‌دار مملکت حبشه پرسید: «آیا می‌فهمی آنچه را می‌خواهی؟» و خزان‌دار پاسخ داد: «چگونه می‌توانم؟ مگر آن که کسی مرا هدایت کند» (اعمال ۸: ۳۰-۳۱). ارتدوکس‌ها هنگامی که کتاب مقدس را قرائت می‌کنند، راهنمایی کلیسا را می‌پذیرند. هنگامی که یک نوکیش به کلیسای ارتدوکس پذیرفته می‌شود، عهد می‌کند: «من کتاب مقدس را بر حسب تفسیری می‌پذیرم و می‌فهمم که مادر ما، کلیسای مسیحی ارتدوکس مقدس بدان اعتقاد داشت و دارد».<sup>(۱۷)</sup>

متن کتاب مقدس: نقد کتاب مقدس. کلیسای ارتدوکس دارای همان عهد جدید بقیه جهان مسیحی است.<sup>(۱۸)</sup> این کلیسا از نسخه یونانی باستان معروف به نسخه هفتادی (سبعینیه) به عنوان متن معتبر عهد عتیق استفاده می‌کند. اگرچه این نسخه با نسخه اصلی

عبری تفاوت دارد (و غالباً این تفاوت دیده می‌شود)، ارتدوکس‌ها معتقدند که تغییرات نسخه هفتادی با الهام روح القدس انجام شد و باید آنها را به عنوان بخشی از وحی مستمر خدا<sup>(۱۹)</sup> پذیرفت. نمونه کاملاً آشکار، اشعیا ۷: ۱۴ است - که نسخه عبری می‌گوید: «زنی جوان حامله شده، پسری به دنیا خواهد آورد»، در حالی که ترجمه نسخه هفتادی این است: «باکره‌ای حامله شده الخ». عهد جدید همان عبارت نسخه هفتادی را ذکر کرده است (متی ۱: ۲۳).

نسخه عبری عهد عتیق در بردارنده سی و نه کتاب است. هفتادی افزون بر این شامل ده کتاب دیگر است، که در نسخه عبری وجود ندارد و در کلیسای ارتدوکس، «کتاب‌های قانونی ثانوی»<sup>(۲۰)</sup> خوانده می‌شوند.<sup>(۲۱)</sup> این کتاب‌ها را شورای ژاسی (۱۶۴۲) و شورای اورشلیم (۱۶۷۲) به عنوان «بخش‌های صحیح کتاب مقدس» اعلام کرد؛ اما بیشتر عالمان ارتدوکس<sup>(۲۲)</sup> در زمان حاضر در حالی که از دیدگاه‌های آتاناسیوس و جروم پیروی می‌کنند، قائلند که کتاب‌های قانونی ثانوی گرچه بخشی از کتاب مقدس هستند، در سطحی پایین‌تر از بقیه عهد عتیق قرار دارند.

مسیحیت، چون حق است، ترسی از پژوهشی صادقانه ندارد. کلیسای ارتدوکس گرچه کلیسا را مفسر معتبر<sup>(۲۳)</sup> کتاب مقدس می‌داند، مانع از مطالعه نقادانه و تاریخی کتاب مقدس نمی‌شود، هرچند تاکنون علمای ارتدوکس در این زمینه برجسته نبوده‌اند.

کتاب مقدس در عبادت. برخی اوقات تصور می‌شود که ارتدوکس‌ها کمتر از مسیحیان غربی برای کتاب مقدس اهمیت قائلند. اما در واقع، کتاب مقدس همواره در مراسم مذهبی مسیحیان ارتدوکس قرائت می‌شود؛ در حین نیایش‌های صبحگاهی<sup>(۲۴)</sup> و نیایش‌های شامگاهی<sup>(۲۵)</sup> کل کتاب زبور هر هفته، و در ایام روزه دوبار در هفته از حفظ خوانده می‌شود؛<sup>(۲۶)</sup> آیات عهد عتیق (معمولاً سه آیه) در نیایش‌های شامگاهی شب‌های بسیاری از اعیاد قرائت می‌شود؛ خواندن انجیل نقطه اوج نیایش‌های صبحگاهی روزهای یکشنبه و اعیاد است؛ در آیین عشای ربانی، نامه<sup>(۲۷)</sup> و انجیل خاص از عهد جدید برای هر روز سال معین شده است. در نتیجه تمام عهد جدید (به جز مکاشفه قدیس یوحنا) در آیین قربانی مقدس خوانده می‌شود. نونک دیمیترس<sup>(۲۸)</sup> (اینک رحیل) و سلام جبرئیل، هیل مری<sup>(۲۹)</sup> (درود مریم) هر روز در نیایش‌های شامگاهی

خوانده می‌شود. نیایش مریم باکره<sup>(۳۰)</sup> معمولاً در نیایش‌های صبحگاهی خوانده می‌شود؛ نیایش خداوند در همه مراسم مذهبی خوانده می‌شود. علاوه بر این قطعات خاص از کتاب مقدس، کل متن هر مراسم مذهبی با زبان کتاب مقدس خوانده می‌شود، و محاسبه شده است که آیین عشای ربانی شامل ۹۸ قطعه از عهد عتیق و ۱۱۴ قطعه از عهد جدید است.<sup>(۳۱)</sup>

کلیسای ارتدوکس کتاب مقدس را شمایل کلامی<sup>(۳۲)</sup> مسیح می‌داند که هفتمین شورا مقرر کرده که شمایل‌های مقدس و کتاب بشارت‌ها را باید یکسان محترم شمرد. در همه کلیساها کتاب انجیل دارای جایگاه ممتازی بر میز عشای ربانی<sup>(۳۳)</sup> است؛ شرکت‌کنندگان در عشای ربانی و نیایش‌های صبحگاهی در روزهای یکشنبه و اعیاد، آن را با خود به همراه دارند؛ مؤمنان آن را می‌بوسند و در نزد آن سجده می‌کنند. احترامی که در کلیسای ارتدوکس برای کلام خدا ابراز می‌شود، این‌گونه است.<sup>(۳۴)</sup>

## ۲. شورا‌های هفت‌گانه وحدت کلیساها: (۳۵) اعتقادنامه

تعاریف اعتقادی شورای وحدت کلیساها خطاناپذیر هستند. بدین سان، در نظر کلیسای ارتدوکس، بیانیه‌های اعتقادی هفت شورا، در کنار کتاب مقدس، دارای حجیت جاودانه و برگشت‌ناپذیراند.

اعتقادنامه نقیه - قسطنطنیه مهم‌تر از همه بیانیه‌های اعتقادی جامع<sup>(۳۶)</sup> است، که در هر مراسم آیین قربانی مقدس و نیز روزمره در نیایش‌های شب و سحر<sup>(۳۷)</sup> و در آخرین نیایش روز<sup>(۳۸)</sup> قرائت یا خوانده می‌شود. دو اعتقادنامه دیگر که غرب آن را مورد استفاده قرار می‌دهد، یعنی «اعتقادنامه رسولان» و «اعتقادنامه آتاناسیوس»، حائز حجیتی همسان با اعتقادنامه نقیه نیست، زیرا شورای وحدت کلیساها آنها را اعلان نکرده است. مسیحیان ارتدوکس اعتقادنامه رسولان را به عنوان بیانیه اعتقادی دیرینه محترم می‌شمارند، و آموزه‌های آن را قبول دارند؛ اما آن صرفاً اعتقادنامه‌ای تعمیدی<sup>(۳۹)</sup> محلی در غرب است و هرگز در مراسم مذهبی حوزه سراسقف شرقی<sup>(۴۰)</sup> مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. «اعتقادنامه آتاناسیوس» نیز در مراسم عبادی کلیسای ارتدوکس به کار نمی‌رود. اما برخی اوقات (بدون واژه فیلوک) در هورولوژیون<sup>(۴۱)</sup> (کتاب ساعات) چاپ می‌شود.



### ۳. شوراهاى بعدى

شکل‌گیرى آموزه‌هاى کلیسای ارتدوکس، همان‌طور که دیده‌ایم، با هفتمین شورای جامع پایان نیافت. از ۷۸۷ میلادی، این کلیسا عقیده خود را از دو راه اصلی ابراز کرده است: (۱) تعاریف شوراهاى منطقه‌اى<sup>(۴۲)</sup> (یعنى شوراهاىی که اعضاى یک یا چند کلیسای ملی در آنها حضور مى‌یابند، اما مدعى آن نیستند که معرف کلیسای مسیحى ارتدوکس به عنوان یک کل هستند و (۲) نامه‌ها یا بیانیه‌هاى اعتقادى که اسقف‌ها منتشر مى‌کنند. اگرچه قطعنامه‌هاى اعتقادى شوراهاى جهانى<sup>(۴۳)</sup> خطاناپذیر است، آراء یک شورای منطقه‌اى یا یک اسقف همواره در معرض خطا قرار دارد؛ اما اگر این آراء را بقیه مسیحیان بپذیرند، در این صورت آراء مزبور، از اعتبار جامع<sup>(۴۴)</sup> برخوردار مى‌شود (یعنى اعتبار فراگیر<sup>(۴۵)</sup>) نظیر آنچه بیانیه‌هاى اعتقادى شورای وحدت کلیساها از آن برخوردار است). قطعنامه‌هاى اعتقادى یک شورای جامع نمى‌تواند تجدیدنظر یا تصحیح شود، بلکه باید کاملاً پذیرفته شود؛ اما جامعه مسیحى در برخورد با مصوبات شوراهاى منطقه‌اى به صورت گزینشى عمل کرده است. به عنوان مثال، در مورد شوراهاى قرن هفدهم، کل کلیسای ارتدوکس بخشى از بیانیه‌هاى اعتقادى آنها را پذیرفت اما بخشى را کنار گذاشت یا تصحیح کرد.

بیانیه‌هاى اعتقادى اصلی ارتدوکس از ۷۸۷ میلادی به قرار زیر است:

- (۱) نامه عام<sup>(۴۶)</sup> قدیس فوتیوس (۸۶۷)
- (۲) نخستین نامه میخائل کرولاریوس<sup>(۴۷)</sup> به پطرس انطاکی (۱۰۵۴)
- (۳) قطعنامه شورای قسطنطنیه در ۱۳۴۱ میلادی و ۱۳۵۱ میلادی درباره مناقشه عزلت‌نشینان
- (۴) نامه عام قدیس مرقس افسسی (۱۴۴۰-۱۴۴۱)
- (۵) اعتراف نامه گنادیوس،<sup>(۴۸)</sup> سراسقف اعظم قسطنطنیه (۱۴۵۵-۱۴۵۶)
- (۶) پاسخ‌هاى ارمیای دوم<sup>(۴۹)</sup> به لوتریان (۱۵۷۳-۱۵۸۱)
- (۷) اعتراف نامه متروفتیس کرتوپولوس<sup>(۵۰)</sup> (۱۶۲۵)
- (۸) اعتراف نامه ارتدوکس اثر پتر ماگیلا<sup>(۵۱)</sup> به شکل تجدیدنظر شده (که شورای ژاسی بر آن مهر تأیید نهاد، ۱۶۴۲)

۹) اعتراف نامه دُسینتوس<sup>(۵۲)</sup> (که شورای اورشلیم، آن را تأیید کرد، ۱۶۷۲)  
 ۱۰) پاسخ‌های پاتریارک‌های ارتدوکس به کشیشان سوگندخورده عصر ویلیام  
 (۱۷۱۸، ۱۷۲۳).

۱۱) پاسخ پاتریارک‌های ارتدوکس به پاپ پیوس نهم (۱۸۴۸).

۱۲) پاسخ شورای کلیسای قسطنطنیه<sup>(۵۳)</sup> به پاپ لئوی سیزدهم (۱۸۹۵).

۱۳) نامه‌ی عام مقام سراسقفی اعظم قسطنطنیه در باب اتحاد مسیحی و «نهضت  
 وحدت کلیساها» (۱۹۲۰، ۱۹۵۲).

این اسناد - به ویژه موارد ۵ تا ۹ - را برخی اوقات «کتاب‌های نمادین» کلیسای  
 ارتدوکس می‌نامند، اما عالمان ارتدوکس بسیاری امروزه این عنوان را گمراه‌کننده  
 می‌دانند و آن را به کار نمی‌برند.

#### ۴. آبای کلیسا

تعاریف شوراها را باید در متن گسترده‌تر آبای کلیسا مطالعه کرد. اما در مورد آبای کلیسا  
 نیز همچون شوراها، منطقه‌ای، داورى جامعه مسیحی گزینشی است. نویسندگان گاه  
 دچار اشتباه و گاه گرفتار آراء متضاد با یکدیگر می‌شوند. لازم است که گندم مکتوبات  
 آبای کلیسا<sup>(۵۴)</sup> را از گاه مکتوبات آبایی<sup>(۵۵)</sup> جدا کرد.<sup>(۵۶)</sup> یک ارتدوکس نباید صرفاً آبای  
 کلیسا را بشناسد و نقل قول کند، بلکه باید در روح آبای کلیسا وارد شود و «ذهن آبایی»  
 پیدا کند. او باید آبای کلیسا را نه صرفاً به عنوان یادگار زمان گذشته بلکه به عنوان  
 شاهدان و معاصران زنده مطرح کند.

کلیسای ارتدوکس هرگز کوشش نکرده تا دقیقاً مشخص کند که آبای کلیسا چه  
 کسانی‌اند؛ چه رسد به این که آنان را به ترتیب اهمیت دسته‌بندی کند. اما این کلیسا برای  
 نویسندگان قرن چهارم، به ویژه برای کسانی که این کلیسا «سه پیشوای بزرگ»<sup>(۵۷)</sup>  
 می‌خواند، یعنی گریگوری اهل نازیانزوس، باسیل کبیر و یوحنا زین‌دهان، احترام  
 خاصی قائل است.<sup>(۵۸)</sup> در نظر کلیسای ارتدوکس، «دوره آبای کلیسا» در قرن پنجم پایان  
 نیافت؛ زیرا بسیاری از نویسندگان بعدی نیز در زمره «آباء» هستند؛ از جمله:  
 ماکسیموس، یوحنا دمشقی، تئودور استودیوس، شمعون نوالاهیدان، کریگوری  
 پالاماس، مرقس اهل افسس. در واقع، تلقی کردن آبای کلیسا به صورت حلقه‌ای بسته از

نویسندگان که کاملاً به گذشته تعلق دارند، خطرناک است، زیرا آیا عصر ما نمی‌تواند باسیل یا آتاناسیوس جدیدی را به بار آورد؟ این سخن که دیگر پدران مقدسی نخواهد بود، به معنای این است که روح القدس کلیسا را رها کرده است.

### ۵. آیین عشای ربانی

کلیسای ارتدوکس بر خلاف کلیسای کاتولیک رم، چندان به تنظیم تعاریف اعتقادی رسمی نپرداخته است. اما این نتیجه‌گیری نادرست است که چون یک عقیده را کلیسای ارتدوکس هرگز به عنوان اصل اعتقادی اعلان نکرده، پس عقیده مزبور بخشی از سنت ارتدوکس نیست، بلکه مطلب صرفاً شخصی است. این کلیسا هنوز هم به آموزه‌های خاصی که هرگز تعریف نشده، با یقین درونی تردیدناپذیر و اتفاق نظر کامل معتقد است، که درست همانند تنسيق صریح [آموزه‌ها] الزام آور است. به گفته قدیس باسیل، «برخی مطالب را از تعالیم مکتوب داریم و برخی دیگر را از سنت رسولی دریافت کرده‌ایم که به صورت رازی به دست ما رسیدند؛ و هر دو دسته مطالب از نظر دین‌داری تأثیر یکسانی دارند» (۵۹).

این سنت باطنی «به صورت یک راز به دست ما رسید» و بیش از همه در عبادت کلیسا حفظ می‌شود. ایمان انسان در نیایش‌اش نمود می‌یابد.<sup>(۶۰)</sup> کلیسای ارتدوکس تعاریف صریح اندکی را درباره آیین قربانی مقدس و سایر شعائر مقدس، درباره جهان آخرت، مادر خدا، قدیسان و درگذشتگان مؤمن ابراز کرده است. دیدگاه کلیسای ارتدوکس درباره این موضوعات عمدتاً در دعاها و سرودهای مراسم مذهبی ارتدوکس گنجانده شده است. فقط کلمات مراسم مذهبی نیست که بخشی از سنت است؛ نشانه‌ها و اعمال گوناگون - فرورفتن در آب غسل تعمید، تدهین مختلف با روغن، نشانه صلیب و غیره - همگی معنای خاصی دارند و همگی به شیوه نمادین و نمایشی به بیان حقایق دین می‌پردازند.

### ۶. قانون شرعی

شوراهای وحدت کلیساها، علاوه بر تعاریف اعتقادی، شرعیات کلیسا را تنظیم می‌کنند، که به سازمان و مقررات کلیسا مربوط می‌شوند؛ شوراهای منطقه‌ای و اسقف‌ها قوانین

شرعی بعدی را تهیه می‌کنند. تئودور بالسامون،<sup>(۶۱)</sup> زوناراس<sup>(۶۲)</sup> و دیگر نویسندگان بیزانسی مجموعه‌هایی از شرعیات کلیسا را همراه با توضیح و تفسیر تدوین کردند. پدالیون<sup>(۶۳)</sup> («سکان») که تفسیر معیار یونانی و جدید است و در سال ۱۸۰۰ منتشر شد، کار آن قدیس نستوه، نیکودموس کوهستان مقدس است.

قانون شرعی کلیسای ارتدوکس در غرب بسیار اندک مطالعه شده است و در نتیجه، نویسندگان غربی برخی اوقات در باره کلیسای ارتدوکس به اشتباه تصور می‌کنند که سازمانی است که در اصل هیچ‌گونه مقررات ظاهری ندارد. بر عکس، حیات کلیسای ارتدوکس قوانین بسیاری دارد که اغلب توأم با سخت‌گیری و جدیت است. اما باید اعتراف کرد که امروزه اجرای بسیاری از قوانین شرعی دشوار یا ناممکن است و به‌طور گسترده کنار نهاده شده است. اگر زمانی شورای جهانی جدید کلیسا تشکیل شود، یکی از وظایف اصلی آن کاملاً ممکن است تجدید نظر و توضیح قانون شرعی باشد.

تعاریف اعتقادی شوراها حائز اعتباری مطلق و قطعی است که قوانین شرعی به معنای دقیق کلمه نمی‌توانند مدعی آن شود؛ زیرا تعاریف اعتقادی به حقایق ابدی مربوط است، [اما] قوانین شرعی به حیات دنیوی جامعه مسیحی، که شرایط آن پیوسته در حال تغییر است و وضعیت‌های فردی بی‌نهایت گوناگون است. با این حال، میان شرعیات کلیسا و اصول اعتقادی کلیسا رابطه‌ای اساسی هست: شرعیات کلیسا صراً کوششی برای به‌کارگیری اصول اعتقادی در وضعیت عملی زندگی روزمره هر مسیحی است. بدین ترتیب، به یک معنای نسبی، شرعیات کلیسا بخشی از سنت مقدس است.

#### ۷. شمایل

سنت کلیسا نه تنها از طریق واژه‌ها، اعمال و نشانه‌های استفاده شده در عبادت بلکه از طریق هنر - خط و رنگ شمایل‌های مقدس - ابراز می‌شود. یک شمایل صرفاً تصویری مذهبی نیست که برای برانگیختن احساسات پسندیده در تماشاگر طراحی شود بلکه یکی از راه‌های تجلی خدا بر بشر است. مسیحی ارتدوکس از طریق شمایل به بینشی از جهان معنوی دست می‌یابد. از آنجا که شمایل بخشی از سنت است، نقاش شمایل

نمی‌تواند آن‌گونه که دلخواه اوست، به اقتباس یا ابتکار دست زند، زیرا اثر او باید نمایانگر نظر کلیسا باشد نه احساسات زیبایی‌شناختی خاص او. الهام هنری مردود نیست بلکه در چارچوب برخی ضوابط مشخص به کار گرفته می‌شود. مهم این است که نقاش شمایل هنرمندی زبردست باشد، اما مهم‌تر از این آن است که او باید مسیحی صادق باشد که در چارچوب روح سنت زندگی کند و با آیین اعتراف و آیین عشای ربانی خود را آماده‌کارش کرده باشد.

مهم‌ترین عناصری که از منظر بیرونی، سنت کلیسای ارتدوکس را شکل می‌دهد، چنین است: کتاب مقدس، شوراها، آباء کلیسا، آیین عشای ربانی، قوانین شرعی و شمایل. این امور را نباید جدا و در تقابل با هم دانست؛ زیرا روح القدس واحد از طریق همه آنها سخن می‌گوید و آنها با هم کل واحدی را به وجود می‌آورند که هر بخش در پرتو بقیه درک می‌شود.

گاهی گفته می‌شود که علت اساسی فروپاشی مسیحیت غربی در قرن شانزدهم عبارت بود از تفکیک میان الاهیات و عرفان، و تفکیک میان آیین عشای ربانی و دینداری شخصی که در اواخر قرون وسطی وجود داشت. کلیسای ارتدوکس به سهم خود همیشه کوشش کرده است که از این‌گونه تقسیم‌بندی اجتناب کند. کل الاهیات واقعی ارتدوکس، عرفانی است؛ درست همان‌طور که عرفان جدا شده از الاهیات به صورت ذهنی و بدعت‌آمیز درمی‌آید، همین‌طور الاهیات، در صورتی که عرفانی نباشد، به حکمت مدرسی بی‌روح و «افلاطونی» به معنای ناخوشایند آن، تنزل می‌کند.

الاهیات، عرفان، معنویت، اصول اخلاقی، عبادت، هنر. این امور را باید مجزا از هم نگه داشت. تعالیم را نمی‌توان درک کرد مگر آن که نیایش شود. (اواگریوس می‌گوید که الاهیدان کسی است که می‌داند چگونه عبادت کند و کسی که با روح و از روی صدق نیایش می‌کند، با خود آن کار یک الاهیدان است)<sup>(۶۴)</sup> و اگر باید نیایش کرد، آموزه نیز باید بهره‌مند از حیات باشد؛ به تعبیر قدیس ماکسیموس، الاهیات بدون عمل، الاهیات شیاطین است.<sup>(۶۵)</sup> اعتقادنامه تنها به کسانی تعلق دارد که با آن زندگی می‌کنند. ایمان و محبت، الاهیات و زندگی جدایی‌ناپذیرند. در آیین عشای ربانی بیزانسی، اعتقادنامه با این واژه‌ها آغاز می‌شود: «به یکدیگر محبت بورزیم، که بتوانیم با عقیده واحد اذعان کنیم که پدر، پسر و روح القدس یعنی تثلیث در اصل، واحد و تفکیک‌ناپذیرند».

این سخن دقیقاً نگرش ارتدوکس به سنت است. اگر به یکدیگر محبت نداشته باشیم نمی‌توانیم به خدا محبت داشته باشیم؛ و اگر خدا را دوست نداشته باشیم، نمی‌توانیم به راستی اذعان به دین کنیم و نمی‌توانیم به روح باطنی سنت برسیم، زیرا راه دیگری غیر از محبت به خدا برای شناخت او وجود ندارد.

پی نوشت‌ها

1. living continuity
2. See Panagiotis Bratsiotis and Georges Florovsky, in *Orthodoxy, A Faith and Order Dialogue*, Geneva, 1960.
3. the Non-Jurors
4. Letter of 1718, in G. Williams, *The Orthodox Church of the East in the Eighteenth Century*, p. 17.
5. *On Icons, II, 12 (P.G. xciv, 1297B)*.
6. Compare Paul in I Corinthians 15:3.
7. Canons = canon laws, canonical legislation
8. *Oxford Dictionary*
9. decrees of Jassy
10. the Nicene Creed
11. Council of Carthage
12. *The Opinions of the Bishops on the Baptizing of Heretics*, 30.
13. the Old Believers
14. the 'Living Church'
15. grace-giving presence
16. 'Sobornost: The Catholicity of the Church,' in *The Church of God*, edited by E. L. Mascall, pp. 64-5. Compare G. Florovsky, 'Saint Gregory Palamas and the Tradition of the Fathers,' in the periodical *Sobornost*, series 4, no. 4, 1961, pp.165-76; and V. Lossky, 'Tradition and Traditions,' in Ouspensky and Lossky, *The Meaning of Icons*, pp. 13-24. To both these essays I am heavily indebted.
17. On Bible and Church, see especially Dositheus, *Confession*. Decree ii.  
 ۱۸. کلیسای ارتدوکس از یک نسخهٔ بیزانسی عهد جدید استفاده می‌کند که همان نسخه‌ای است که برای ترجمهٔ نسخهٔ شاه جیمز (KJV) به کار رفت م
19. God's continuing revelation
20. Deutero-Canonical Books  
 ۲۱. این کتاب‌ها که در غرب غالباً «آپوکریف» نامیده می‌شوند عبارت است از: سوم عررا (به یونانی اسدراس)، طوبیت؛ یهودیت؛ اول، دوم و سوم مکابیان؛ حکمت سلیمان؛ جامعه، باروک، رسالهٔ ارمیا.  
 ۲۲. این ضابطه را کتب دعا مقرر کرده است. در عمل، نیایش‌های صبحگاهی و نیایش‌های شامگاهی روزانه در کلیساهای محلی عادی، از برخوانده نمی‌شود، بلکه فقط در روزهای آخر هفته و اعیاد از حفظ خوانده می‌شود و حتی در این هنگام، متأسفانه، بخش‌های تعیین‌شده از کتاب زبور اغلب کوتاه می‌شود یا (باز هم بدتر) تماماً حذف می‌شود.

23. Orthodox scholars  
 24. authoritative interpreter  
 25. Matins  
 26. Vespers  
 27. Epistle  
 28. the *Nunc Dimittis*

«نونک» در لغت یعنی اکنون و «دیمیتریس» به معنای کوچ کردن و عزیزت کردن است. این سرود که سرود شمعون نیز نامیده می‌شود، اشاره به عبارتی است که شمعون پیر در لحظه دیدار با عیسی گفت. وی مردی صالح و خداترس و منتظر مسیح بود که روح‌القدس به او خبر داده بود که نخواهد مرد تا مسیح را ببیند. هنگامی که وی در معبد اورشلیم بود، مریم، عیسی نوزاد را به نزد او آورد تا او را مطابق شریعت وقف خدا کند. شمعون عیسی را در آغوش گرفت و گفت: «خداوند اینک بنده خود را رخصت ده تا آسوده خاطر چشم از جهان فرو بندم» (لوقا ۲: ۲۹). م.

29. *Hail Mary*

سرود مذهبی «درود مریم»، که دعایی اساسی در کلیسای کاتولیک روم و ارتدوکس است، شامل سه بخش خطاب به مریم باکره است. م.

30. *Magnificat*

«نمایش مریم باکره» که در لوقا ۱: ۴۶-۵۵ آمده است بیانگر رحمت و قدرت خداست. در این سرود ستایش، حضرت مریم خدا را خوارکننده طالمان و پیروکننده ضعفا می‌خواند. این نمایش در کلیساهای غربی در مراسم مذهبی شامگاهان و در کلیساهای ارتدوکس در مراسم مذهبی صبحگاهان خوانده می‌شود. م.

31. P. Evdokimov, *L'Orthodoxie*, p.241, note 96.

32. verbalicon

33. altar

۳۴. اگرچه کتاب مقدس اصلی کلیسای ارتدوکس، کتاب مقدس یونانی است، مسیحیت ارتدوکس هرگز بر تلاوت کتاب مقدس به زبان یونانی اصرار ندارد و بر ارائه کتاب مقدس و انجام آداب دینی به زبان‌های بومی تأکید داشته است. از این رو، در کلیسای ارتدوکس ترجمه کتاب مقدس به زبان‌های گرجی، ارمنی، سریانی و قطعی از اوایل قرن سوم تا قرن پنجم منتشر شد و ترجمه آن به زبان‌های اسلاوی نیز در قرن نهم آغاز شد. با این حال، حتی در ترجمه‌های نسبتاً اخیر از قبیل نسخه شورای کلیسای روسیه (Russian Synodical Version) در قرن نوزدهم، متن کتاب مقدس به زبان کهن نگارش یافته است تا سبک ترجمه‌های قدیمی تر حفظ شود. م.

۳۵. کلیسای ارتدوکس هفت شورا را به عنوان شورای جامع می‌شناسد. دو شورای اول آموزه تئولیت را مورد توجه قرار دادند: ۱) شورای نقیه (در ساحل شمال غرب ترکیه کنونی) در ۳۲۵ میلادی به مشکل آریانیسم پرداخت و اعلام کرد که پسر هم‌جوهر با پدر و دارای الوهیت و ازلیت کامل است؛ ۲) شورای قسطنطنیه (استانبول امروزی) در ۳۸۱ شاهد رد نهایی آریانیسم بود و نیز بیان کرد که پسر و روح‌القدس هر دو درست مانند پدر، خدا هستند. چهار شورای بعدی به شخص مسیح پرداختند: ۳) شورای افسس



(در غرب ترکیه کنونی) در ۴۳۱ آموزه‌های نستوریوس در خصوص مسیح را محکوم کرد؛ (۴) شورای کالسدون (نزدیک نیقیه در شمال غرب ترکیه) در ۴۵۱ فرمولی را ارائه داد که هم وحدت شخص مسیح حفظ می‌شد و هم این واقعیت که او دارای دو ذات متمایز الهی و بشری است؛ (۵) شورای قسطنطنیه دوم در ۵۵۳ تأکید کرد که در مسیح، دو ذات در شخص واحد پسر خدا حقیقتاً متحدند؛ (۶) شورای قسطنطنیه سوم در ۶۸۱ اعلان کرد که مسیح دارای دو اراده و دو فعل الهی و بشری، در شخص واحد خود است. (۷) آخرین شورا، نیقیه دوم، در ۷۸۷ به مناقشه شمایل‌ها پرداخت و تأکید کرد که ساختن شمایل‌ها مطابق با سنت است و برای اعلام تجسد، لازم است. م.

36. Ecumenical statements of faith

37. Nocturns

38. Compline

39. Baptismal creed

40. Eastern Patriarchate

41. *Horologion*

42. Local Councils

43. General Councils

44. Ecumenical authority

45. universal authority

46. Encyclical Letter

47. Michael Cerularius

48. Gennadius

49. Jereias II

50. Metrophanes Kritopoulos

51. Peter Maghila

52. The Confession of Dositheus

53. Synod of Constantinople

54. Patristic wheat

55. Patristic chaff

۵۶. مکتوبات آبای کلیسا را به دوره پیش از شورای نیقیه و دوره پس از شورای نیقیه تقسیم‌بندی می‌کنند. مدارک باقیمانده از دوره اول عبارت است از: نوشته‌های جدلی، رساله‌های فلسفی مسیحی، مکاتبات مسیحیان، و تفاسیر کتاب مقدس. در این دوره، کیفیت برخی از نوشته‌های قرون دوم و سوم در حدی است که هیچ‌یک از آثار بعدی آبای کلیسا به آنها نمی‌رسد. با این حال، نوشته‌های دوره دوم در مقام آثار ادبی، در سطحی به مراتب بالاتر جای دارند. سده‌های چهارم و پنجم، دوران طلایی اصول اعتقادی، مواعظ، شروح، مکاتبات، تاریخ کلیسا، و اشعار دینی به‌شمار می‌آیند. - م.

57. Three Great Hierarchs

۵۸. مدافعان بزرگ عقیدهٔ تثلیث و معنویت ارتدوکس در قرن چهارم عبارت‌اند از: آتاناسیوس (حدود

۳۷۳-۲۹۶). گریگوری نسیایی (حدود ۳۳۰-۳۹۵)، گریگوری نازیانزوس (حدود ۳۲۹-۳۸۹)، باسیل (حدود ۳۳۰-۳۷۹) و یوحنا زین‌دهان (حدود ۳۴۷-۴۰۷). گریگوری نازیانزوس به سبب تبیین خود از آموزهٔ تثلیث به «گریگوری الاهدان» ملقب است، باسیل علاوه بر این نقش، در گسترش رهبانیت اولیه بسیار تأثیرگذار بود و قواعد رهبانی وی هنوز هم در صومعه‌های ارتدوکس به کار می‌رود؛ و یوحنا زین‌دهان از آن رو مورد احترام فراوان است که مهم‌ترین واعظ کلیسای اولیه بود و نقش بسزایی در بیان معنویت کلیسای ارتدوکس داشت. - م.

59. *On the Holy Spirit*, xxvii (66).

60. *Lex orandi lex credendi*.

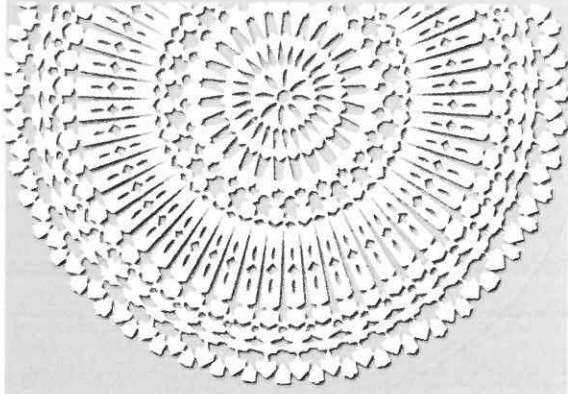
61. Theodore Balsamon

62. Zonaras

63. *Pedalion*

64. *On Prayer*, 60 (P. G. lxxix, 1180B).

65. Letter 20 (P.G.XCi,601c).



# معرفی کتاب

Handwritten text, possibly a signature or name, written in a stylized, cursive script. The text is oriented vertically and appears to be written in dark ink on a light-colored background.